



۲۰۱۶/۰۱/۱۳

مترجم: دوکتور محمد اکبر یوسفی

«جنگ در افغانستان:

اشتباه غرب طالبان را دوباره قوی می سازد.»



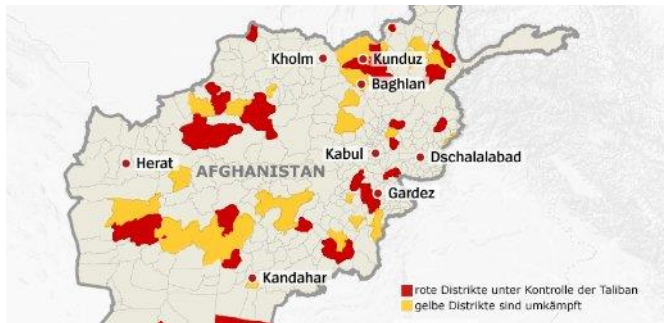
از «کریستوف زیدو» (Christoph Zydow)

جنگی های طالبان در افغانستان: آنها باید فقط انتظار می کشیدند. "رویتر"

«یکسال پس از مأموریت - «آیساف» در افغانستان، چنین بنظر می رسد که طالبان از چنان قوت برخوردار است، که از زمان طولانی به اینطرف چنین نبوده است. اسلامیت ها از اشتباهات غرب و ناتوانی و ناکامی های حکومت در کابل منفعت برده اند.»

«مأموریت جنگی ما در افغانستان به انجام می رسد، طولانی ترین جنگ در تاریخ امریکا بیک ختم معقول می انجامد.": قریب به یکسال دقیق است، که رئیس جمهور ایالات متحده، «بارک اوباما» جنگ افغانستان را رسماً ختم اعلان کرد. او اعتراف نمود که کشور در هندوکش، بعنوان یک محل خطرناک باقی ماند. اما باز هم، اعلامیه او بتاريخ ۲۹ دسمبر ۲۰۱۴م، خوشبینی ("اوپتیمیزم") بزرگی را پخش نمود.

یکسال کامل بعدتر، ایالات متحده آمریکا باید اعتراف نماید، که: آنها وضعیت را اشتباه آمیز ارزیابی نموده اند. طالبان



در دوازده ماه گذشته قسمت های بزرگی را در افغانستان، تحت کنترل آنها درآورده اند. در ولایات جنوب هیلمند و قندهار نیروهای امنیتی دولتی را از تمام ولسوالی ها ("دیستریکتن")، رانده اند. در ولایات شمال چون قندز و بدخشان نیز ساحات بزرگی

ساحات تحت تسلط و حاکمیت طالبان در افغانستان: پیشروی های اسلامیت ها»

خاک کشور را که درین اواخر ملیشه های اسلامیستی، قریب به بدون ممانعت حرکت می کنند، در اختیار دارند. سطر های سمت راست نقشه: با رنگ سرخ تیره: ولسوالی ها یا واحد های اداری تحت کنترل طالبان. در ساحات نشانی شده با رنگ زرد، جنگ جریان دارد یا در حال درگیری است.

در سپتمبر (سال ۲۰۱۵م مترجم)، طالبان بر شهر مرکزی ولایت قندز هجوم بردند، که در آن اردوی اتحادی آلمان از سال ۲۰۰۶م تا ۲۰۱۳م قرارگاه آنرا در آن ساحه داشته است. نخست بعد از گذشت دو هفته، واحد های حکومت افغانستان، این شهر را با نفوس ۳۰۰۰۰۰ نفری، دوباره تسخیر، نموده است. اردوی ایالات متحده از قوای کابل با حملات هوایی حمایت نموده است. درین عملیات، یک شفاخانه سازمان کمکی "دکتوران بدون مرز" را هم بمب باران نموده اند، که در اثر آن ۳۰ انسان نیز بقتل رسیده اند.

پیشروی طالبان، در نتیجه عوامل و "فکتور های متعدد" مساعد شده است.

۱. خروج قوای جنگی بین المللی.

"اوباما"، در زمان اشغال مقام، به حضور نظامی در هندوکش، با شدت تزیید بخشید- از حد قریب به ۲۰۰۰۰ به سرحد ۹۰۰۰۰ عسکر. عملاً در سال ۲۰۱۰م، قوای حفاظتی - "آیساف" توانست، در طول سال، طالبان را به عقب بزنند، بخصوص در جنوب کشور. اما از اینکه رئیس جمهور ایالات متحده، این تزیید قوا را در همان آغاز برای مدت معین از نگاه زمان اقامت محدود ساخته بود، شورشی ها مجبور بوده اند، تا انتظار بکشند. در وسط سال ۲۰۱۳م، ایالات متحده و متحدان آن، هنوز هم حدود ۱۳۰۰۰۰ عسکر در افغانستان مستقر داشته اند. درین اواخر، فقط ۱۰۰۰۰ عسکر مستقر اند، وظیفه مهم آنها تعلیم و آموزش قوای امنیتی افغانستان می باشد. این قوا در بسیاری ولایات خود شانرا فاقد عمل و فعالیت ثابت ساخته اند. ساحات تسخیر شده را بطور دوامدار، حفظ نتوانسته اند.

۲. جنگ علیه "دولت اسلامی" مهتر شده است.

تا قریب پنج سال قبل، مهمترین محل عقب نشینی برای تروریست های "اسلامیستی"، افغانستان بوده است. این حالت گذشته است: شبکه "قاعده" در خطرناک ترین و نیرومندترین قوت ضربتی، پایگاه های آنرا درین اواخر در یمن یافته است. لیکن خطرناک تر و تهدید آمیز تر، صعود "دولت اسلامی" در عراق و سوریه ("داعش")، شناخته شده است.

یک زمان در افغانستان فقط یک چند صد "جهادی اروپایی" کشانده شده بودند، در سوریه و عراق حال این تعداد به ده ها هزار می رسد. سوء قصد کنندگان در "پاریس"، توسط «دولت اسلامی» تعلیم و آموزش دیده بودند و در آنجا تجارب جنگی فرا گرفته بودند. به نسبت نزدیکی جغرافیایی به اروپا، توانسته اند نسبتاً بسادگی، به کشور های آنها دوباره سفر برگشت انجام دهند. برای جنگ بین المللی علیه ترور در افغانستان، همواره غیر مهمتر شده است، این وضعیت دوباره قوت یافتن طالبان را مساعدت نموده است.

۳. تهاجم اردوی پاکستان در وزیرستان.

در ماه جون ۲۰۱۴م، اردوی پاکستان، حمله وسیعی را علیه جنگی ها "اسلامیستی" در مناطق سرحدی افغانستان، براه انداخته است. قوای اسلام آباد، با شدت در منطقه قبایل عمل می کنند، که در آن قبلاً "جهادی خارجی" مخفی گاه یافته بودند. گروپ های حقوق بشر، از میلیون ها فراری سخن می گویند. بهر صورت، از جهت نظامی، چنین بنظر می رسد، که عملیات "ضرب عذب؟" (Zarb – Azb) مؤفقتانه بوده باشد. جنگی های طالبان، "قاعده" و دیگر گروپ ها، در وضعیت عقب نشینی از وزیرستان می باشند. اکثریت آنها از طریق سرحد با افغانستان، فرار نموده و در آنجا به تقویت صفوف طالبان پرداخته اند. این جریان تازه را ناظران، در مؤفقت شورشیان در شرق کشور، مسئول دانسته اند.

۴. اشتباهات و کمبودی های حکومت افغانستان

از زمان سقوط طالبان، در سال ۲۰۰۱م، هیچ یک در حکومت مرکزی در کابل قادر نشده است، تا یک اداره مؤثر را اعمار نموده و رهبری مسئول حکومتی را مستقر سازند. بعد از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۴م، منازعه ماه های طولانی، مبارزه بر سر قدرت بین اشرف غنی و حریف مقابل بازی او، عبدالله عبدالله، کشور را فلج ساخت. بالاخره بر تقسیم قدرت، بتوافق رسیدند. لیکن به جای اینکه با هم همکاری نمایند، هر دو سیاستمدار یکدیگر را محاصره نموده، باعث بندش در امور شده اند.

این ناکامی ها و فقدان قابلیت حکومت، در ولایات ادامه یافته است. والی ها، مقامات را نه بر اساس قابلیت، بلکه بر اساس طرفداری و تمایلات و منشاء اشغال می نموده اند. افغان ها شکایت می کنند، که از جانب مقامات دولتی، مانند گدا ها، پذیرفته می شوند، در بسیاری از مناطق خودسری و خودکامگی حکمفرماست. چنین بنظر می رسد که، شدت و سختگیری، لیکن تا حدی حقوق مورد اعتماد – و سیستم دولتی طالبان، که در تطبیق آن با شریعت ارتباط دارد، برای بسیاری ها، بدیل بهتر شناخته می شود.» (ختم ترجمه) «شپیگل آنلاین»، پنجشنبه هفتم جنوری ۲۰۱۶م).

پایان